

واگویی‌ها روزگار سکون

• دکتر نفیسه واعظ

استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل
دانشگاه آزاد شهرضا

جامعه‌ی ایران درآستانه سلطنت پهلوی اول متشکل از سه نوع جامعه روستایی، شهری و عشایری بوده است. مهم‌ترین وجه تولید این جامعه اقتصاد مبتنی بر دام و دامداری است. جمعیت ایلات و عشایر، در پایان حکومت رضا شاه عمدتاً به دلیل اعمال سیاست‌گذاری در مورد عشایری (اسکان، کوچ اجباری و تغییر شیوه معیشت) روبه کاهش گذاشت.

ایلات و عشایر ایران بر مبنای قومی به صورت زیر قابل تقسیم‌بندی است: ۱. لر و لک ۲. کردها ۳. ایلات ترک و ترکمن ۴. ایلات و عشایر عرب ۵. بلوچ و براهویی

در این گفتار تلاش شده است تا از میان چهار دسته منابع مطالعاتی مورد نیاز در این حوزه‌ی تحقیقی، به معرفی و نقد منابع خاطره‌نگاری و خاطره‌گویی پرداخته شود. در این پژوهش از کل خاطرات، زندگی‌نامه‌ها و یادداشت‌های موضوعی، بخش مهمی از آن به شرح زیر معرفی و نقد می‌شود:

۱- خاطرات و یادداشت‌های رؤسای ایلات و عشایر

۲- خاطرات و یادداشت‌های نظامی‌ها

۳- سایر خاطرات (داخلی و خارجی - دولتی‌ها و غیردولتی‌ها)

۱- خاطرات رؤسای ایلات و عشایر

از جعفرقلی خان سردار اسعد فرزند سردار اسعد فاتح تهران، اثری به نام خاطرات سردار اسعد در دست است، عمده نوشته‌های این اثر مربوط به خاطرات سال‌های دهه ۱۳۰۰ و ابتدا سال‌های دهه ۱۳۱۰ (تا سال بازداشت و زندانی شدن) است. با وجود اینکه سردار اسعد، سرکرده‌ی ایل مشهور بختیاری، در این سال‌ها پست‌های مهم وزارتی در هیأت وزرا به خصوص مقام وزیر جنگ را برعهده داشت، اثر او خواننده را از شیوه درونی کار دولت پهلوی و چرایی و چگونگی تصمیم‌گیری دولت برای ایلات و عشایر مطلع نمی‌سازد. با وجود اطلاعات جسته و گریخته‌ای که سردار اسعد درباره‌ی ارکان سیاست عشایر و مواضع ایلات و عشایر ارائه می‌دهد، می‌توان به آگاهی‌های بارزشی درباره مواضع متفاوت سران ایل بختیاری^۲ در مواجهه با موج شدید تمرکزگرایی و مدرن‌سازی دولت پهلوی دست یافت و با بافت درونی و ساختار قدرت و تصمیم‌گیری در ایل بختیاری آشنا شد. از خاطرات سردار اسعد درباره نحوه اجرای سیاست عشایری در ایل بختیاری

جامعه‌ی ایران در آستانه سلطنت پهلوی اول متشکل از سه نوع جامعه روستایی، شهری و عشایری بوده است. مهم‌ترین وجه تولید این جامعه اقتصاد مبتنی بر دام و دامداری است

می‌دادند، می‌توان از آثار منسوب به رضاخان که البته همچنان در انتساب آن‌ها به رضاخان شک و شبهه بسیار وجود دارد، به نام‌های یادداشت‌های سری رضاشاه و یادداشت‌های اعلیحضرت رضاشاه کبیر در زمان ریاست الوزرای و فرماندهی کل قوا به کوشش علی البصری و رضاشاه کبیر سفرنامه خوزستان یاد کرد.

مطالب آثار فوق کمک ارزنده‌ای به تدوین بخش بنیادهای نظری سیاست عشایری و جایگاه رضاشاه در فرایند سیاستگذاری نمود، در سفرنامه خوزستان بارها رضاخان ایلات و عشایر را بی‌غیرت، راهزن، فضول، وحشی، بیابان‌پیما، متجاوز که به «اسلوب زشت و نامطبوعی»^۲ زندگی می‌کنند، نامیده است. در این اثر، نقش رضاخان در غلبه بر شیخ خزعل بزرگ‌نمایی شده است.

از میان خاطرات نظامی‌ها خاطرات نخستین سپهبد ایران احمد امیراحمدی حاوی اطلاعات بارزشی درباره سیاست عشایری پهلوی اول است. با مطالعه خاطرات امیراحمدی که به نمادی از خشونت دولتی علیه

و به خصوص نقشی که برخی از سران ایل بختیاری در همکاری با دولت پهلوی در مهار شورش‌های عشایری در کسوت میانجیگری و اعزام قوا به مناطق ناآرام ایلی و عشیره‌ای ایفا کردند، می‌توان بهره برد.

در خاطرات، علی‌اکبر خان سنجابی، رئیس ایل سنجانی با نام ایل سنجابی و مجاهدت ملی ایران، خاطرات علی‌اکبر خان سردار مقتدر، گزارشی زنده از بافت درونی ایلات و عشایر ایران در واپسین مراحل حیات نظام ایلی ارائه شده است. مطالعه خاطرات سنجابی پرده از این واقعیت برمی‌داشت که ستاره اقبال حیات کوچرویی و مناسبات ایلی و عشیره‌ای در دهه‌های نخست قرن بیستم به رغم برخی از جلوه‌های ویژه حیات ایلی و عشیره‌ای رو به افول گذاشته بود و دیری نمی‌پایید، اما دولت پهلوی سیر زوال زندگی ایلی و عشیره‌ای را با ناشکیبایی و خشونت، سرعت بخشید.

۲- خاطرات و یادداشت‌های نظامی‌ها

سرامد خاطرات نظامی‌ها، که به شرح و وصف لشکرکشی‌ها و رویارویی‌های با ایلات و عشایر در این دوره دلبستگی و علاقه وافری نشان



ایلات و عشایر ایران بر مبنای قومی به صورت زیر قابل تقسیم‌بندی است: ۱. لر و لک ۲. کردها ۳. ایلات ترک و ترکمن ۴. ایلات و عشایر عرب ۵. بلوچ و براهویی

روزگار سکون

کوپال از محاصره، از نقاط قوت خاطرات رزم‌آرا به شمار می‌رود. همچنین رزم‌آرا گاهی پا را از قالب گزارش خشک نظامی فراتر گذاشته و برای نمونه شرحی درباره اجرا سیاست اسکان و طرح‌های عمرانی دولت در لرستان در سال ۱۳۰۸ ارائه داده است.

در کتاب ترجمه نشده *under five shahs* از حسن ارفع، اطلاعات بالارزشی از جزئیات برخی از رویارویی‌های ارتش با ایلات و عشایر به هنگام آرام‌سازی و خلع سلاح ایلات و عشایر کرد، ترکمن، لر از دیدگاه یک نظامی موافق سیاستگذاری دولت برای ایلات و عشایر ارائه شده است.

ارفع، مساعی ارتش^۷ در قبال ایلات و عشایر را ضروری و موفقیت‌آمیز ارزیابی کرده است و کاملاً از دریچه منافع دولت خودکامه پهلوی به ارکان سیاست عشایری نگریسته است.

در *under five shah* از رضاشاه^۸ چهره پادشاه و فرمانده نظامی پراگماتیستی را تصویر کرده که بدون دخالت مؤثر و تصمیمات قاطعانه او، امور ایران و به خصوص سیاست عشایری راه به جایی نمی‌برده است. با وجود این، از این خاطرات می‌توان برای مطالعه سیاست آرام‌سازی و خلع سلاح و به ویژه رویارویی‌های دولت با سمیتقو سرکرده عاصی ایل شکاک کرد، استفاده کرد.

از دیگر خاطرات نظامیان، خاطرات سرتیپ میرحسین یکرنگیان است. که برای نخستین بار در سال ۱۳۳۶ ش با نام گلگون کفتان یا گوشه‌ای از تاریخ نظامی معاصر و اخیراً در سال ۱۳۸۴ با نام سبزی در تاریخ ارتش ایران از آغاز تا شهریور ۱۳۲۰ به چاپ رسیده است، و قسمتی از آن به خاطرات نویسنده از تعاملات ارتش نوین با ایلات و عشایر در دوره رضاشاه اختصاص یافته، و یکی از منابع مورد وثوق و ارجاع متواتر نوشته‌هایی بوده که به نحوی موضوع مورد تحقیق آن‌ها درباره ارتش و ایلات و عشایر در دوره پهلوی اول بوده است.

ویژگی‌های نوشته یکرنگیان به اثر او در جمع آثار نظامی مورد ارجاع برای سیاست عشایری دولت جنبه ممتازی بخشیده است. اطلاعات این کتاب که گوشه‌ای از خاطرات یکرنگیان در دوره پهلوی را در بر می‌گیرد، عبارت است از:

ثبت آگاهی‌های مفید و بعضاً نادر مثل استفاده از هواپیما در جنگ‌های عشایری، رفورم در ارتش^۹، رزم‌های عشایری نحوه آرام‌سازی ایلات و عشایر نارام، معرفی ایلات و عشایر ایران در دوره پهلوی اول، ذکر طوایف

ایلات و عشایر لر تبدیل شد، می‌توان تلقی بلندپایگان ارتش نوین پهلوی اول را از خط مشی دولت پهلوی دریافت.

از خاطرات امیراحمدی برمی‌آید که بیشتر الزامات نظامی، در آن زمان پیش برنده سیاست اسکان بود تا الزامات نوگرایی و نظامیانی چون امیراحمدی با ارسال گزارش‌های اغراق‌آمیز از ایلات و عشایر به مرکز، زمینه تصمیمات افراطی را فراهم می‌کردند.

اگرچه امیراحمدی، در خلال خاطرات خود سعی می‌کند از خود تصویر فرمانده بسیار لایق، مدبر و رثوفی ارائه دهد، اما کوشش‌های او موفقیت‌آمیز نیست زیرا در صفحات دیگری از کتاب، امیراحمدی ناخواسته، ماهیت چهره عبوس، انعطاف‌ناپذیر و متعصب خود را با درج فرامین خشونت‌آمیز و بی‌اساس که برای تنبیه لرها صادر و اجرا نموده است، برملا می‌سازد. امیراحمدی در خاطرات خود سعی در توجیه رفتار لابلایگرایانه نظامی‌ها دارد و لرها را به شدت به سخره^{۱۰} می‌گیرد. به این لحاظ شاید بتوان نقل خاطرات آمیخته به اغراق امیراحمدی از لرها را، سرآغازی بر لطیفه‌سازی‌های، سال‌های آتی برای لرها دانست که سوژه تلخی از ندانم‌کاری و نادانی شدند. نوشته‌های امیراحمدی، برای آگاه شدن از زمان و نحوه خلع سلاح^{۱۱} و سلب قدرت از سران و سرکردگان ایلات و عشایر لر و چگونگی به انحراف کشیده شدن برنامه‌ریزی‌های دولت برای ایلات و عشایر در اثر مداخله نظامی‌ها، بسیار راهگشا بود. اما در همه ارجاعات، این واقعیت را نباید از نظر دور داشت که بنا به نوع آموزش، تجربه و موقعیت شغلی نظامی‌ها، ویژگی مشترک خاطرات همه آن‌ها از جمله امیراحمدی در این است که ضمن جانبداری شدید، از سیاست عشایری دولت، نقش نیروهای نظامی را در برقراری امنیت بزرگ‌نمایی کرده‌اند.

خاطرات رزم‌آرا که در خاطرات و اسناد سپهبد حاج‌علی رزم‌آرا گردآوری شده است، از نظر ارائه آگاهی در چگونگی تشکیل ارتش مدرن ایران، حائز اهمیت است، نوشته رزم‌آرا که یک شاهد عینی و دارای مسئولیت در اجرای سیاست عشایری بوده است، برای مطالعه سیاست عشایری دولت منبع مهم و بالارزشی محسوب می‌شود. شرح مفصل یکی از جریان‌های انتقال اجباری^{۱۲} ایلات و عشایر لر از لرستان به خراسان، از زبان رزم‌آرا از امتیازات خاطرات رزم‌آرا به حساب می‌آید. رزم‌آرا در خاطراتش ادعا کرده که «دور از تصورات قصد بیان واقعیات» را داشته است. گزارش‌های رزم‌آرا از جنگ‌های قوای دولتی با سمیتقو و شرح عملیات پشتکوه با هدف نجات دادن جان سرتیپ

شد، کمک شایانی به شکل‌گیری این پژوهش نمود. هدایت در نگارش خاطراتش مختصر‌گویی را با فصاحت و بیان زیبا و جذاب درهم آمیخته و کتابی در کسوت تاریخ پدید آورده است که وقایع مهم تاریخی را از دیدگاه یک شاهد عینی بلندمرتبه به رشته تحریر درآورده است.

از دیگر دولتمردانی که از این دوره خاطراتی را بازگو نموده‌اند، می‌توان از سیدحسین تقی زاده نام برد که به ویژه زمانی که وزیر مالیه بود به طور تنگاتنگی با مسئله مصادره و معاوضه املاک سران ایلات و عشایر، رویارو شد، اما برخلاف انتظار، اطلاعات متنوع و گسترده درباره ارکان سیاست عشایری در اختیار مخاطبان خود قرار نمی‌دهد و اطلاعات او عمدتاً درباره بختیاری‌ها^{۱۱} و سردار اسعد بختیاری آن هم در جریان نهضت مشروطه و چند سال بعد است.

علی اصغر حکمت، دیگر دولتمرد این دوران در کتاب سی خاطره از عصر فرخنده پهلوی مبادرت به بازگویی خاطراتش درباره خط مشی دولت پهلوی برای ایلات و عشایر در دوران وزارت خود (وزیر کشور) نموده است. چکیده استدلال و توضیح حکمت درباره سیاست عشایری این است که اعلیحضرت رضاشاه توانست به وسیله ارتش نوبنیاد به سرکشی و تمرد ایلات و عشایر خاتمه دهد و آن‌ها را در بدنه ملی جذب نماید و به آن‌ها زمین‌هایی برای کشت و زرع در «مراکز حاصلخیز» بدهد، تا از بدویت رها شوند. حکمت به تمجید از سیاست عشایری دولت^{۱۲} و بزرگ‌نمایی نقش خرد خود در بهبود اوضاع جامعه عشایری در دوران تصدی مقام وزارت کشور در سال ۱۳۱۸ می‌پردازد، حال آنکه اساساً در دو سال آخر، روند کلی سیاست عشایری به سوی واقع‌گرایی و تعدیل سوق داده شده بود.

حکمت با نگاه کاملاً موافق به جریان نوسازی در عصر پهلوی اول و دگرگون‌سازی اوضاع ایلات و عشایر نگر بسته است. و مطالبی که درباره جامعه عشایری نوشته عموماً فاقد انسجام، اعتبار علمی و دقت است، که به نمونه‌ای از آن اشاره می‌کنیم.

وی ایل نام آور بختیاری را در وجود جعفر قلیخان سردار اسعد، خلاصه کرده و سر به نیست شدن سردار اسعد را خاتمه کار ایل بختیاری در دوره پهلوی قلمداد کرده است. او از اعدام سایر خوانین و نحوه اجرای سیاست خلع سلاح و یا اسکان در ایل بختیاری سخنی به میان نمی‌آورد.

در این خاطرات مسأله چندوجهی سیاست عشایری ساده‌سازی شده و اشاره‌ای به روند تاریخی و نحوه اجرا و واکنش جامعه عشایری به برنامه

مختلف در مناطق ایلی و عشیره‌ای به ویژه مناطق مرزی، گزارش جامع و در عین حال مختصر از نحوه اعزام نیرو و چگونگی غلبه بر نیروهای ایلی و عشیره‌ای از کودتا تا سلطنت و از سلطنت تا ختم درگیری‌های ارتش در مناطق ایلی و عشیره‌ای به تفکیک، برای مثال در بحث شورش اسماعیل آقا سمیتقو^{۱۳}، ابتدا مطالب خود را از پیشینه طغیان سمیتقو آغاز می‌کند، آنگاه تدابیر حکومت مرکزی از کودتا تا سلطنت و فتح قلعه چهریق (مهم‌ترین عملیات بین نیروهای دولتی و سمیتقو) را به صورت مختصر و دقیق شرح می‌دهد و با شرح فرجام سمیتقو که در ۱۳۰۹ در اشنویه کشته می‌شود، گفتار خود را خاتمه می‌بخشد. با این حال، یکرنگیان نیز پاره‌ای از پیش‌داوری‌ها و تحلیل‌های کلیشه‌ای و رایج محافل نظامی، همانند باغی و آلت دست پرشمردن شورشیان عشایری جنوب در ۱۳۰۹-۱۳۰۷، را بدون تحلیل در خاطرات خود ثبت می‌کند. مطالب یکرنگیان در نحوه اعمال سیاست خلع سلاح در بین ایلات و عشایر مختلف و بالاخص توضیح وقایع لرستان، روشنگر برخی از جنبه‌های ناگفته منابع دیگر است.

۳) سایر خاطرات

به جز رؤسای ایلات و عشایر و سران ارتش، افراد دیگری نیز به بازگویی یا ثبت خاطره‌های خود از دوران پهلوی اول مبادرت ورزیده‌اند و در خلال آن شرحی یا دگری از سیاست عشایری دولت نموده‌اند که در زیر به معرفی چهارده اثر که همگی از شاهدان عینی سیاست عشایری و معاصران رضاشاه بودند، می‌پردازیم.

از مهم‌ترین منابع در این باره می‌توان از خاطرات و خطرات توشه‌هایی از تاریخ شش پادشاه و گوشه‌ای از دوره زندگی من از مهدی قلی خان هدایت یاد کرد. در دوران تصدی پست رئیس الوزرای، او بزرگ‌ترین شورش عشایری دوره پهلوی اول به وقوع پیوست و عمده بخشنامه و تصویب‌نامه‌های دولتی برای اجرا خط مشی دولت درباره ایلات و عشایر در دوران نخست وزیری او صادر و به تصویب هیئت وزراء رسید.

اگرچه خاطرات و خطرات با هدف تبیین و تدوین سیاست عشایری دولت نگاشته نشده بود و بنابراین دانسته‌های اندکی در این باره در اختیار پژوهشگر می‌گذارد و تنها به موضوع چگونگی غلبه بر اقبال‌السلطنه ماکویی و یا فتح قلعه چهریق و همچنین سرگذشت شیخ خزعل و شورش ایلات و عشایر جنوب در سال ۱۳۰۸، اشارات مختصری می‌نماید ولی نوشته او، در روشن ساختن فضا و بستری^{۱۴} که در آن سیاست عشایری طرح و اجرا

از خاطرات امیراحمدی برمی‌آید که بیشتر الزامات نظامی، در آن زمان پیش برنده سیاست اسکان بود تا الزامات نوگرایی و نظامیانی چون امیراحمدی با ارسال گزارش‌های اغراق‌آمیز از ایلات و عشایر به مرکز، زمینه تصمیمات افراطی را فراهم می‌کردند



سردار اسعد بختیاری

بوده است، سندی^۶ موجود است که نه تنها دعای اعظام قدسی را تأیید نمی‌نماید که برخی از اتهامات و ایرادات او از نظر کسانی که با اعظام قدسی همکاری داشته‌اند، در آن درج شده است. خاطرات اعظام قدسی راهگشای برخی از زوایای نامعلوم سیاست اسکان و نهادهای مجری سیاست عشایری به شمار می‌رود.

خاطرات حاج عزالممالک اردلان، زندگی در دوران شش پادشاه از امان الله اردلان که در دروه رضاشاه مدتی حاکم لرستان بود و به دست لرها اسیر شد، این اسارت فرصت آن را به اردلان داد، تا از نزدیک با کسانی که از دید امثال او دشمن، شرور و مرکزگریز بودند، آشنایی پیدا کند و با انعطاف بیشتری در مقام حاکم لرستان و عضو «کمیسیون اسکان^۷» با مسأله ایلات و عشایر برخورد نماید.

از قسمت‌های قابل توجه خاطرات اردلان، توضیح درباره کمیسیون مخصوص لرستان و اعضای آن و مطالب کمتر گفته شده‌ای درباره شخصیت پیچیده رضاشاه، برای مثال در صدور دستور رضاشاه دال بر عدم مداخله نظامی‌ها در مناطق ایلی و عشیره‌ای مجاور مرز است.

با این حال، اردلان نیز در خاطرات خود در دفاع و توجیه سیاست عشایری از روزه نگاه کسی که مسئولیت اداری بالای در مناطق ایلی و عشیره‌ای داشته است، باز نمی‌ایستد و برای نمونه حسن سیاست دولت در افزایش پاسگاه در مناطق ایلی و عشیره‌ای که به روال مطمئن مالیات گیری انجامیده است، را شایسته تحسین دانسته است.

سیف پور فاطمی در آینه عبرت خاطرات دکتر سیف پور فاطمی با نگاه

اجباری دولت صورت نگرفته است.

علی اصغر حکمت به اطلاعات شفاهی خود درباره ایلات و عشایر اعتماد کرده است و تنگ معروف تامرادی، که در آن خونین‌ترین نبرد دولت پهلوی با ایلات و عشایر بویر احمدی به وقوع پیوست، را به غلط تنگ میرمادی ثبت می‌کند و یا برخی از دعاوی را بدون ذکر مدرک طرح می‌سازد، مثلاً می‌نویسد: «من فردی را می‌شناسم که فارغ التحصیل دارالتربیه خرم‌آباد که نماینده مجلس و عضو برجسته وزارت خارجه و لر است» ولی معلوم نیست این فرد با این مشخصات اسم نداشته است و اگر اسم داشت چه توجیه عقلی مانع از ذکر نام او بوده است. از این خاطرات می‌توان برای فهم بنیادهای نظری و نهادهای مجری سیاست اسکان و مدرسه‌سازی برای ایلات و عشایر به گونه احتیاط آمیزی بهره برد.

در خاطرات یک نخست وزیر از احمد متین دفتری، اگرچه مستقیماً از سیاست عشایری سخنی به میان نیامده است، اما خاطرات او برخی از ابهامات تاریخ ایران را رفع نموده و محقق را با دیدگاه دولتمردی با پیشینه سیصد ساله تجربیات دولتی خانوادگی، آشنا می‌سازد و نشان می‌دهد در دولت پهلوی اول، جایگاه نهاد عام تصمیم گیرنده‌ای چون هیئت دولت تحت الشعاع اراده قانونی شخص رضاشاه^۸ قرار داشته است.

خاطرات عبدالله مستوفی به نام شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی دوره قاجاریه، در روشن ساختن ابعاد اجتماعی سیاست عشایری و علت همداستانی روشنفکران با این برنامه دولت، راهگشا است و پژوهش‌های مرتبط با سیاست عشایری را از غلتیدن به ورطه یکجانبه‌گرایی و طرد و سرزنش مطلق دولت در طرح و انجام سیاست عشایری رهایی می‌بخشد. اظهارات مستوفی درباره آرایش نظامی، خلق و خو و موقعیت ایلات و عشایر در آستانه به قدرت رسیدن پهلوی در مقام یک نظاره‌گر عالی رتبه اداره مالیه و استاندار آذربایجان حائز اهمیت است.

مستوفی در پنج، شش سال پس از خروج رضاشاه که هنوز انتقاد از عملکرد رضاشاه یک ژست روشنفکرانه کم‌خطر به حساب می‌آمد، در دفاع از ضرورت سیاست عشایری دولت پهلوی نوشت: «ایرانی‌ها باید ضجه و گریه و زاری را برای بی‌خانمان شدن الوار کنار گذاشته و به جای آن هزار رحمت بر آن کسی که این خرابادی را از سر راه خوزستان کنده است، بفرستند»^۹.

در خاطرات من یا تاریخ صد ساله ایران از حسن اعظام قدسی که دارای مسئولیت در اجرای سیاست اسکان بین ایلات و عشایر فارس و شاهسون بوده است، اطلاعات ارزشمندی درباره امکانات لازم برای اجرا سیاست اسکان، شرایط واگذاری زمین و نحوه اسکان ایلات و عشایر و موانع بازدارنده آن وجود دارد، که در هیچ‌یک از کتاب خاطرات به این تفصیل و تشریح وجود ندارد. اما استناد به متن خاطرات اعظام قدسی به تأمل و تدبیر نیاز دارد زیرا او برای نمونه در خاطرات خود ادعا نموده است که از سودجویی‌های مجریان سیاست عشایری به دور بوده است، در حالیکه در اسناد سازمان ملی ایران در مجموعه سندهای مربوط به استان هفتم (استان فارس) در دوره‌ای که اعظام قدسی متصدی اسکان عشایر فارس

خاطرات عبدالله مستوفی در روشن ساختن ابعاد اجتماعی سیاست عشایری و علت همداستانی روشنفکران با این برنامه دولت، راهگشاست و پژوهش‌های مرتبط با سیاست عشایری را از غلتیدن به ورطه یکجانبه‌گرایی و طرد و سرزنش مطلق دولت در طرح و انجام سیاست عشایری رهایی می‌بخشد

روزگار سکون

شخصیت و رفتار دولتمردانی که با آن‌ها در تماس بوده، پرداخته است و گاه تصویری متفاوت از تصویر منابع داخلی از شخصیت دولتمردان دوره پهلوی که به هر حال سیاست عشایری را طراحی نمودند، ارائه می‌دهد.

بلوشر توانسته است برداشت سطحی و شتابزده رضاشاه از مقوله مدرنیسم را با نقل واقعیاتی مانند این که: «رضاشاه اجازه نمی‌داد از قافله‌های شتر، خارجی‌ها عکس بگیرند چه آن را مظهر عقب‌ماندگی تلقی می‌کرد»^{۱۲} آشکار سازد.

در هر صورت، در سفرنامه بلوشر چند گزارش ناقص از سیاست عشایری دولت نقل شده است ولی همان مطالب اندک به دلیل توجه بلوشر به موضوعاتی که از دیدگاه ایرانیان معاصر ارزش تعمق و تدبیر نداشته است، حائز اهمیت به شمار می‌رود.

گزارش‌ها و مکتوبات سیاسی

از آثاری که به‌طور گسترده سیاست عشایری دولت پهلوی اول را مورد توجه قرار داده، اثری است با نام ۱۹۶۵-۱۸۸۱ Iran political Diaries که به ویژه در مجلدهای ۶ تا ۱۱ گزارش نویسان و خاطره نویسان انگلیسی به شرح برداشت و خاطرات خود از سیاست عشایری دولت که عموماً هم لحن موافقی دارد، پرداخته‌اند.

حسن این خاطرات در پرداختن به وقایعی است که یا اصلاً یا کمتر مورد توجه منابع داخلی هم‌زمان قرار گرفته است، مثل پرداختن به ایلات و عشایر مرزی جنوب. همچنین در برگزیده اطلاعات نادری از جایگاه ایلات و عشایر در استراتژی انگلیسی در ایران و ثبت جزئیاتی از مناسبات دولت مرکزی با ایلات و عشایر است.

گزارش‌های متنوع و گسترده^{۱۳}، این اثر نقایص اطلاعاتی که به علت سانسور در مطبوعات و اسناد بازتاب نیافته است، را جبران می‌نماید.

موضوعاتی که منابع داخلی به آن کم‌توجهی کردند مثل رابطه شرکت نفت بریتانیا و ایلات و عشایر ایران، یا ایلات مرزی که، از نظر تأمین، تعقیب و تضمین منافع انگلیسی‌ها توجه به آن ضروری بوده در این اثر انعکاس یافته است. برای نمونه آگاهی‌های گسترده درباره ایل بختیاری از ایلات طرفدار بریتانیا در اختیار می‌گذارد و از انجمن ستاره بختیاری و واقعه تنگ شلیل که منابع معاصر داخلی خردنمایی یا خلاف‌گویی آن را ثبت کرده‌اند، اطلاعات مفیدی ارائه می‌دهد.

بالعکس گزارشگران انگلیسی در ثبت رویدادهای مربوط به ایل قشقایی

تحسین‌آمیز به اصل درستی ساماندهی به زندگی عشایر و پایان بخشیدن به مداخلات و ستیزه‌های ایلی و همسان‌سازی به بدنه اصلی ایران نگریسته است ولی از یادآوری آشفتگی^{۱۴} در برنامه‌ریزی و سوء اجرای سیاست عشایری نیز ابایی به خود راه نداده است.

با همه این احوال خاطرات او پژوهشگر را برای درک فضایی که در آن به سیاست‌گذاری برای ایلات و عشایر مبادرت شده کمک می‌نماید و اطلاعات سودمندی درباره سیاست مصادره و معاوضه املاک به خصوص درباره ایل بختیاری که ارتباط نزدیکی با برخی از سران آن‌ها داشته است در خاطرات او، وجود دارد.

ابوالمجد حجتی در کتاب کمتر شناخته شده ولی بسیار قابل اعتنائی به نام عبور از عهد پهلوی در گیر و دار دو فرهنگ یکی از جالب توجه‌ترین اطلاعات را درباره دگرگونی‌های دوره پهلوی اول به ویژه در محیط عشایری بروجد را به گفته حجتی «ورورگرد» ارائه می‌دهد. حجتی درباره اعدام سران ایلات و عشایر و رعبی که سیاست عشایری در بروجد ایجاد نموده بود در مقام یک شاهد عینی سخن می‌گوید و تلقی‌های متضاد فیما بین جامعه سنتی ایران با دولتمردان ناشکیبا^{۱۵} را با رساترین کلام آشکار می‌سازد.

آخرین منبع داخلی که از خاطرات خاطره‌گویان آن به خصوص برای تدوین قسمت ارکان سیاست عشایری و جایگاه رضاشاه و نظامی‌ها در فرایند سیاست‌گذاری می‌توان استفاده کرد، اثری است که ابراهیم صفایی^{۱۶} با نقل خاطرات معاصران رضاشاه به نام رضاشاه در آینه خاطرات گردآوری نموده است.

همچنین سیاست عشایری به خاطرات نویسندگان خارجی که شاهد عینی و معاصر دوره پهلوی اول بودند، نیز راه یافته بود، مثل خاطرات ژنرال آبرونساید، آرتور میلیسپو، بلوشرو سرریدر بولارد. که در این جا فقط به معرفی و نقد یکی از آن خاطرات که به سیاست عشایری دولت توجه بیشتری نموده است، بسنده می‌شود.

بلوشر، سفیر آلمان در ایران و ناظر خارجی رخداد‌های ایران در اواسط دوره پهلوی اول است، بلوشر در سفرنامه بلوشر گردش روزگار در ایران به شرح خاطرات خود از ایران پرداخته است. در دوره‌ای که در آن از آمد و شدهای بسیار و انعطاف و مغالته‌های دوره پیش و پس از آن با خارجی‌ها کمتر خبری هست، نوشته‌های بلوشر حائز اهمیت است.

بلوشر از معدود خارجیانی است که کنج‌کاوانه و موشکافانه به تحلیل

پی‌نوشت:

۱. برای آگاهی بیشتر رک: به اثر نگارنده با نام سیاست عشایری دولت پهلوی اول. تهران نشر تاریخ، ۱۳۸۸، ص ۱۱۱ به بعد.
۲. جعفرقلی سرداراسعد: خاطرات سردار اسعد بختیاری به کوشش ایرج افشار. تهران: اساطیر، ۱۳۷۲، ص ۸ و ص ۲۵۷ سیاست اسکان را لازم اما مشکل برمی‌شمرد.
۳. رضاشاه کبیر سفرنامه خوزستان ۱۳۰۳ شاهنشاهی. تهران، مرکز پژوهش و نشر فرهنگ سیاسی دوران پهلوی، بی‌تا، ص ۳۴ و ۹۶ و ۲۴۹.
۴. احمد امیراحمدی: خاطرات نخستین سپهبد ایران، به کوشش سپروس سعدوندیان غلامحسین زرگری‌نژاد. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۷۳، ص ۲۱۴ و ۱۱۲.
۵. همان، ص ۲۳۰.
۶. حاج‌علی رزم‌آرا: خاطرات و اسناد سپهبد حاج‌علی رزم‌آرا. به کوشش کامبیز رزم‌آرا و کاوه بیات، شیرازه، ۱۳۸۲، ص ۶۱.
7. Arfa hassan: under five shahs, london, johnmurray, 1964, p114.
8. ibid202.
۹. میرحسین یکرنگیان: سیری در تاریخ ارتش ایران از آغاز تاشهریور ۱۳۲۰. تهران: خجسته، ۱۳۸۴، ص ۳۶۰ و ۳۴۴.
۱۰. همان، ص ۳۲۵.
۱۱. مهدقلی خان هدایت: خاطرات و خطرات توشه‌ای از تاریخ شش پادشاه و گوشه‌ای از دوره زندگی من، ج ۵. تهران: زوار، ۱۳۷۵، ص ۳۰۲.
۱۲. حسن تقی زاده: زندگی طوفانی، خاطرات سیاسی سید حسن تقی زاده، به کوشش ایرج افشار، تهران، علمی، ۱۳۶۸، ص ۲۱۵.
۱۳. علی اصغر حکمت: سی خاطره از عصر فرخنده پهلوی. تهران وحید، ۱۳۵۳، ص ۱۴۱ و ۳۲۱ و ۲۳۷.
۱۴. احمد متین دفتری: خاطرات یک نخست وزیر، به کوشش باقر عاقلی. تهران: علمی، ۱۳۷۱، صص ۴۶ و ۴۸ و ۵۱۳.
۱۵. عبدالله مستوفی: شرح زندگی من یا تاریخ اجتماعی دوره قاجاریه، ج ۳. تهران: زوار، ۱۳۷۱، ص ۵۱۳.
۱۶. رک سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۰۰۶۹۷-۲۹۳۰.
۱۷. عز‌الممالک اردلان: خاطرات حاج عز‌الممالک اردلان و تاریخ شش پادشاه تحشیه از باقر عاقلی. تهران: نامک، ۱۳۷۲، ص ۲۵۵.
۱۸. نصرالله سیف پور فاطمی: آیین‌های عبرت خاطرات دکتر سیف پور فاطمی، به کوشش علی دهباشی. تهران: سخن، ۱۳۷۸، ص ۷۴ و ۸۷۴.
۱۹. ابوالمجد جنتی: عبور از عهد پهلوی در گیر و دار دوفرهنگ. تهران: محسن، ۱۳۷۷، ص ۲۵۷.
۲۰. ابراهیم صفایی: رضاشاه کبیر در آیین‌های خاطرات. تهران: انتشارات اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر، ۱۳۵۴، ص ۴۴ و ۲۶۷ و ۳۶۷ و ۳۷۹.
۲۱. ویبرت بلوش: سفرنامه بلوش (گردش روزگار در ایران)، ترجمه کیکاووس جهانمندی. تهران خوارزمی، ۱۳۶۳، ص ۳۱۵.
22. Burret r. m, Iran political diaries 1881-1965., researcheditor robertl. jarman archive edition, 1997, volum11, p657, volum6 p382, volum8 p473, volum9 p675.

که پیشینه مبارزه با انگلیسی‌ها را داشتند با غرض‌ورزی از صولت‌الدوله تصویر فردی طمعکار، حریص و کینه‌توز را ترسیم کرده‌اند. زندگی‌نامه‌ها و خاطرات و یادداشت‌ها، از منابع ارزشمندی است که در کسب آگاهی و فهم رخدادهای دوره پهلوی اول محققان را یاری می‌رساند. اما استفاده از این منابع بدون در نظر گرفتن ملاحظات زیر از اعتبار علمی اثر خواهد کاست و لذا نمی‌توان بی‌کم و کاست به گفته‌ها و نوشته‌های خاطره‌گوها و خاطره‌نویسان اعتماد کرد و آن را اساس استنباط و نتیجه‌گیری قرار داد.

کلام آخر

با توجه به فراز و نشیب‌های سیاسی که ایران از زمان سلطنت رضاشاه تاکنون پشت سرگذرانده است، بازگویی و نگارش خاطره و زندگی‌نامه تحت الشعاع شرایط سیاسی زمان قرار می‌گیرد. به این صورت که نوشته‌هایی که زمان گردآوری و تدوین آن‌ها به دوران رضاشاه و سال‌های بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا انقلاب اسلامی بازمی‌گردد، یکسره برنامه‌های دولت پهلوی را در ایجاد امنیت و سرکوبی آشوب (که از نظر آن‌ها عمدتاً مترادف با ایلات و عشایر یاغی و مخالف دولت بودند) و ایجاد دولت متمرکز، غرورآفرین و قابل ستایش دانسته‌اند، اما خاطرات و زندگی‌نامه‌هایی که در سال‌های نخست دهه ۱۳۲۰ و بیشتر در سال‌های پس از انقلاب اسلامی درباره رضاشاه گردآوری، تدوین و یا بازنویسی شده‌اند، با دیدی سخت‌انتقادی و نکوهش‌آمیز به تصمیمات و از جمله خط مشی دولت پهلوی درباره ایلات و عشایر نگریسته‌اند و کمتر کتاب خاطراتی را می‌توان مثل کتاب پروفیسور ابوالمجد جنتی با نام در گپ‌و‌گو دو فرهنگ سراغ گرفت که صاحب آن با دیدی منصفانه به بازنگری گذشته پرداخته و همه برنامه‌های دولت پهلوی از جمله سیاست عشایری را نه یکسره ضروری و قابل تمجید و نه به کلی فاقد ضرورت و سرشار از ایراد دیده باشد.

نکته دیگری که باید به هنگام مراجعه و استناد به خاطرات موردنظر قرار داد، بررسی شخصیت خاطره‌گو و خاطره‌نویس و سیر زندگی اوست. زیرا رد برخی از ناملایمات، شکست‌ها و کینه‌توزی‌های شخصی به ساحت خاطرات راه می‌یابد همچنین استناد مکرر به خاطرات بدون دقت به شخصیت و موقعیت خاطره‌نویس و خاطره‌گو، این خطر را دارد که اندک اندک در سیمای یک واقعیت مسلم تاریخی جلوه گر شود. دقت و تأمل در اهداف خاطره‌نویسان، ملاک دیگری برای سنجش میزان اعتبار دعوی و نقل قول‌های آنان است، اهدافی چون دفاع از حق و حقیقت، عقیده یا آرمان و ایدئولوژی موردنظر، مبری نمودن خود از خطاها و انحرافات زمانه و یا اتهامات وارده، ارضاء تمایلات شخصی در خطیر و با اهمیت جلوه دادن نقش و مرام خود در عمل سبب می‌شود که خاطره‌گویان و خاطره‌نویسان به خردانگاری نقش خود در رخدادهای نامطلوب به بزرگ‌نمایی سهم خود در تحقق رویدادهای سرنوشت ساز بپردازند و یا چنان به وارونه‌گویی بپردازند که تفکیک سره از ناسره برای آیندگان به کار دشواری تبدیل شود.